

## تحلیل فقهی پایش‌های سمعی مبتنی بر فقه حکومتی\*

محمد حسن لنگری<sup>۱</sup>

### چکیده

مسئله اصلی در مقاله پیش‌رو «چیستی حکم فقهی پایش‌های سمعی توسط آحاد مکلفان و نهادهای حاکمیتی» است. این بحث در بستر دین نظام‌ساز و نظام‌پرداز است؛ آن دینی که علاوه بر تأسیس نظامات اجتماعی به پردازش الگوهای عینی متناسب با آن نظامات از طریق فقاہت و روشمند می‌پردازد. به دلایلی از جمله دوری جریان فقاہت شیعی از فرایند حکومت دینی، رویکرد غالب در بررسی موضوعات و به تبع ادله ناظر به آن‌ها به صورت فردی است؛ اما اقتضای ذاتی دین اسلام بررسی مسائل و موضوعات مختلف از جمله مسئله «پایش‌های سمعی» در قالب رویکرد حکومتی است.

بر همین اساس، نگارنده بر این شد تا برخلاف پژوهش‌های رایج مبتنی بر نگاه فردی، حکم شنود توسط نهادهای اطلاعاتی و آحاد شهروندان در بستر نظام امت و امامت را با توسعه در افعال مکلفان و نیز لحاظ تفاوت میان گزاره‌های سیاسی و امنیتی از گزاره‌های عبادی و فردی، ناظر به مصالح عامه و رویکرد استنباط مرحله دوم مبتنی بر اندیشه امنیت در حوزه فقه امنیت به بررسی گذاشته و با الهام از کلمات فقهای عظام در تقویت نگاه حکومتی به فقه به بازخوانی ادله پردازد.

پژوهش حاضر از روش اجتهاد جواهری با رویکرد حکومتی بهره می‌برد که حاصل آن تفاوت میان شنود فردی و حکومتی توسط نهادهای حاکمیتی است. به این بیان که در مقاله حاضر تفاوت نوع تعامل با ادله به خصوص در مطلق‌انگاری موجب می‌گردد حکم شنود فردی که توسط افراد جامعه از یکدیگر یا از نهادهای غیرحاکمیتی دیگر به هر جهت و نیتی رخ می‌دهد، از حکم شنود نهادی که توسط حاکمیت و نهاد اطلاعات و امنیت روی می‌دهد، از حیث حکم شرعی متفاوت شوند. در نتیجه، بعد از بررسی ادله مختلف متوجه می‌شویم که اصل اولی در شنود فردی بر حرمت و در شنود حکومتی و نهادی بر جواز استوار است.

**واژگان کلیدی:** پایش سمعی، استراق سمع، تجسس، شنود فردی، شنود حکومتی.

۱. پژوهشگر مرکز تحقیقات تمدن اسلامی مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام مشهد مقدس  
\* این مقاله برگرفته از «درس خارج فقه نظام‌سیاسی آیت‌الله سید احمد علم‌الهدی در سال ۱۴۰۲» با دخل و تصرف توسط نگارنده است.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵ \* تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۲۱



## ۱. مقدمه

«فقه الإستخبارات و الأمن» از جمله گرایش‌های مهم در فقه نظام سیاسی محسوب می‌گردد. در فقه اطلاعات و امنیت مجموعه احکام فقهی موضوعات حوزه اطلاعات و امنیت به بررسی گذاشته می‌شود که یکی از اساسی‌ترین موضوعات در این حوزه مسئله پایش‌های سمعی (شنود) است. مسئله شنود به علت کاربرد فراوان و ابتلای بسیار زیاد نهادهای مربوط به آن، از اهمیت بیشتری برای بررسی فقهی برخوردار است. شنود و استراق سمع از مسائل ذو ابعادی است که دقت نظر در ابعاد مختلف آن سبب دقت در فحص حداکثری در ادله، گزینش و خوانش دقیق‌تری از آن‌ها می‌شود.

شنود از افعالی است که گاه در سطح آحاد جامعه مسلمان و در سطح فقه فردی می‌تواند مدنظر قرار گیرد و گاه در سطح حاکمیت و نهاد امنیت و در سطح فقه حکومتی مدنظر قرار گیرد که هر کدام سبب خوانشی در ادله و حکمی مختص به خود می‌گردد و موجب قبض یا بسط ید نهادهای مربوط به آن به تبع قانون‌گذاری دقیق، منضبط و کارآمد براساس احکام به دست آمده می‌گردد.

پرسش اصلی پژوهش «چیستی حکم فقهی پایش‌های سمعی (شنود) توسط آحاد مکلفان و نهادهای حاکمیتی در بستر فقه نظام سیاسی» است که برای نیل به پاسخ این پرسش مفاهیم شنود، تجسس و مفاهیم وابسته به آن به طرح و بحث گذاشته شده و اصل موضوعه و ریشه‌ی تغییر زاویه نگرش از منظر آحاد جامعه به سطح حاکمیت اسلامی و نهادهای امنیتی با رویه استنباط دو مرحله‌ای منقح گشته و حکم فقهی شنود فردی و حکومتی به تفصیل بحث شده است.

### ۱-۱. پیشینه‌شناسی

به این مسئله در پژوهش‌های زیر پرداخته شده است:  
مقالات شامل: «شنود مکالمات از منظر حقوق کیفری ایران، فقه امامیه، اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی» (جزایری و شهرانی، ۱۴۰۱)؛ «التنصت بین المشروعیة و حقوق الإنسان» (علی محمد جعفر، ۲۰۱۱)؛ «بررسی فقهی و حقوقی استراق سمع»



(درزی‌نژاد رمی، ۱۳۹۹)؛ «جایگاه شنود در نقض حریم خصوصی از منظر فقه و حقوق؛ تأملی بر کتاب «بررسی احکام فقهی و حقوقی استراق سمع» (ساریخانی، ۱۳۹۵) و پایان‌نامه‌هایی شامل: «بررسی مبانی فقهی جرم‌انگاری جرایم دسترسی و شنود غیرمجاز مخابراتی و افشای غیرمجاز مراسلات و ماهیت این جرایم در حقوق کیفری ایران» (رزمجدوکشکانی، ۱۳۹۸)، «استراق سمع در حقوق کیفری ایران» (احمدپور، ۱۳۸۹) و کتاب‌هایی همانند: «جایگاه شنود و حقوق افراد در احکام حقوقی ایران» (نصرتی، ۱۴۰۰) و «بررسی احکام فقهی و حقوقی استراق سمع» (علی‌قلی‌زاده و علی‌قلی‌زاده، ۱۳۹۴).

همه این منابع و تحقیقاتی که ذکر شد اساساً به این منظر که ما درصدد بیان آن برآمیدیم، نیستند؛ بلکه صرفاً اصل را بر حرمت مطلق پایش‌های سمعی گذاشته و هیچ توجّهی به نوع مکلف نکردند و قیل و قال پیرامون قوانین موضوعه در جمهوری اسلامی ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی اشاره داشتند.

امتیاز پژوهش پیش‌رو - که برگرفته از «درس خارج فقه نظام سیاسی آیت‌الله سید احمد علم‌الهدی در سال ۱۴۰۲» با اندکی دخل و تصرف است - نسبت به تمامی پژوهش‌های موجود ارائه تقسیم‌بندی نوین از شنود با توجّح به دو رویکرد فردی و حکومتی به فقه و روش استنباط دو مرحله‌ای با گذر از نگاه فردمحور به نگاه دستگاه حاکمیتی و نهادمحور است. در ضمن نوین‌بودن این تقسیم‌بندی، ابتنای آن بر روش اجتهاد جواهری بر قوام کار افزوده؛ هرچند که حکم فقهی متفاوتی را نسبت به شنود حکومتی توسط نهادهای اطلاعات و امنیت شاهد هستیم.

فرضیه تحقیق و پژوهش حاضر بر این دو نتیجه استوار است:

۱. اصل اولی در شنود فردی بر حرمت است؛
۲. اصل اولی در شنود حکومتی توسط نهادهای اطلاعاتی و امنیتی جواز به معنی‌الاعم است که بسط ید قابل توجّهی به آن‌ها می‌دهد و با متن واقع نیز سازگارتر می‌افتد.



## ۲-۱. مفهوم‌شناسی

در آغاز کلام باید مفاهیم اساسی و دخیل در موضوع مسئله را به نحو اجمالی به بررسی گذاشت تا بتوان حکم را بر آن به‌دقت بار نمود و حدود و ثغور آن را به‌دست آورد:

## ۱-۲-۱. مفهوم پایش‌های سمعی (شنود)

استراق سمع را در فرهنگ فارسی معین به «پنهانی به سخن کسی گوش دادن» تعریف کردند که دهخدا آن را در مقابل «گفت» قرار داده‌است (دهخدا، ۱۳۷۵، واژه استراق سمع) و در لغت عرب نیز ابن‌فارس (ابن‌فارس، ۱۳۹۹، ج ۳، ص ۱۵۴) و راغب اصفهانی آن را به «إِذَا تَمَسَّعَ مُخْتَفِيًّا» تعریف کردند. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۳۱) معادل آن در زبان لاتین Eavesdropping به‌معنای «شنیدن پنهانی» است. پایش‌های سمعی و شنود در عصر حاضر Interception در ابزار الکترونیکی نیز تعبیر شده‌است که اطلاع یافتن عمدی از محتوای در حال انتقال یا ذخیره‌شده را گویند. (محسنی، ۱۳۸۹، ص ۴۶)

در شنود و پایش‌های سمعی یا به عبارت مرسوم، استراق سمع دو عنصر اساسی دخیل است که به آن توجه نشده‌است و آن دو عنصر عبارت است از:

۱. مخفیانه بودن عمل؛

۲. عدم رضایت شخصی که مورد شنود قرار می‌گیرد.

با پیشرفت اجتماع بشری و توسعه دانش‌های موجود مسئله اطلاعات و امنیت نیز در زمره دانش‌های تخصصی تلقی شده و پیرامون آن سخن از اهل تخصص و فن بسیار وارد شده‌است و دارای نظام مسائل مختص به خود است. شایسته است برای استحکام بحث فقهی مفاهیمی چون تجسس و شنود را از نگاه دانش اطلاعات و امنیت ذکر کنیم.

با بررسی متوجه می‌شویم که این دانش‌ها نیز همین تعریف لغوی و عرفی را پذیرفته‌اند؛ (محسنی، ۱۳۸۹، ص ۴۶) اما در ساحت ابزارهای شنود، رشد و پیشرفت داشته‌اند که در مجموع تمامی این ابزارها مشتمل بر همان دو عنصر قوام‌بخش به



شنود هستند؛ یعنی مخفیانه بودن و عدم رضایت شخصی که مورد شنود و استراق سمع قرار می‌گیرد که در ادامه به هنگام بررسی حکم، تکیه بسیاری بر این مفاهیم خواهیم داشت.

### ۱-۲-۲. مفاهیم مرتبط با کلمه شنود

برای بیشتر روشن شدن مفهوم مورد بحث مقاله حاضر نیازمند روشن‌سازی و تبیین مفاهیم مشابه و پیرامونی «شنود» هستیم:

#### الف. مفهوم التَّنصُّت

أَنْصَتَ، إِنْصَاتًا به معنای استمع است (القیومی، بی تا، ص ۴۹۷) و مراد از تنصت در لغت عرب همان تَسْمَع است. تنصت از مفهوم تَجَسَّس اعم است؛ به این معنا که تسمع مخفی و علنی را شامل است؛ اما تَجَسَّس فقط شامل تسمع مخفی است. (وزاره الاوقاف و شئون الاسلامیة، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۱۶۱) البتّه در زبان عربی معاصر و کتب حقوقی آن‌ها استراق سمع یا همان پایش‌های سمعی معادل التَّنصُّت اخذ شده است. اما از آنجا که در مفهوم شنود بیان شد که دو عنصر خفا و عدم رضایت دخیل هستند و آنچه که امروزه توسط نهادهای اطلاعات و امنیت رقم می‌خورد به همین دو عنصر تکیه دارد و در عربی معاصر عنوان «التَّنصُّت» را برای این عملیات و کارویژه مهم برگزیده است. پس «التَّنصُّت» بر وزن ابواب ثلاثی مزید باب تفاعل در معنای مطاوعة استعمال شده است که از حیث مفهوم اصطلاحی به معنای استماع محض نیست؛ بلکه همان پایش سمعی مراد است.

#### ب. مفهوم تَجَسَّس

تَجَسَّس از ریشه جَسَّ است که در لغت عرب به معنای جست‌وجو و تفحص از اخبار آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۸) و از آن در امور شر بیشتر بهره برده شده است؛ به این بیان که جاسوس را صاحب شرّ خوانده‌اند. (ابن اثیر، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۲۷۲) در زبان فارسی نیز به معنای تفتیش کردن، جست‌وجو و تفحص از اخبار است. (افرام بستانی، بی تا، واژه تَجَسَّس)

در لسان فقهای اصحاب معنای مصطلح شرعی برای تَجَسَّس بیان نشده است؛



دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، ۱۴۲۳ق، ج ۲۵، ص ۶۷) بلکه هر آنچه از حکم شرعی بر این اصطلاح بار شده است با توجه به همان معنای لغوی و اصطلاحی عرفی است. (مشکینی اردبیلی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹) شاهد ادعا عبارت فاضل جواد است که در تفسیر و تبیین آیه شریفه می گوید: «ولا تبحثوا عن عورات المسلمین و تطلبوها و هو تفعل من الجس باعتبار ما فيه من معنی الطلب» (فاضل جواد، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۱۵) و در ادامه به بیان حکم این مصطلح پرداخته است.

در مفهوم، تجسس را جست و جو در عیوب پنهانی و اسرار مردم و اطلاع از آن دانسته اند (العلامة الطباطبائی، بی تا، ج ۱۸، ص ۲۲۳) که خداوند متعال اراده مخفی داشتن آنها را کرده است. نسبت بین این مفهوم با مفهوم شنود، عام و خاص مطلق است؛ به این بیان که هر شنودی را تجسس می توان نامید و شنود و پایش های سمعی یکی از مصادیق تجسس محسوب می گردند.

### ج. اصطلاح «فقه حکومتی»

«فقه حکومتی نگرشی کل نگر و ناظر بر تمام ابواب فقه است.» با این بیان و توضیح که در این نگاه، استنباط های فقهی باید بر اساس فقه اداره نظام اجتماعی انجام شود و تمامی ابواب فقه ناظر به امور اجتماع و اداره کشور باشد؛ از این رو گستره ای از مسائل در فقه حکومتی، تمامی ابواب فقه خواهد بود؛ زیرا اجتماع و نظام اسلامی، شئون مختلفی دارد. مباحثی در حوزه اقتصاد، فرهنگ، حقوق، سیاست، امور بین الملل و مسائلی از قبیل مسائل نظامی، انتظامی، امنیتی، خانواده و تمامی مسائل دنیوی و اخروی مربوط به زندگی بشری که فقیه می بایست همه آن مسائل را بنا بر رفع نیازهای اجتماع و نظام اسلامی مورد بررسی قرار دهد.

مروری بر تحقیقات انجام شده در حوزه فقه حکومتی، نشانگر اقبال عمومی محققان و فقه پژوهان به این تعریف است. (مشکانی سبزواری، ۱۳۹۶، ص ۲۳) در ادامه لوازم این رویکرد در استنباط گزاره های دین به خصوص در عرصه سیاست و امنیت را به اختصار بیان کرده و در هنگام بحث از ادله، به کار بسته می شوند.



## ۲. حکم فقهی شنود حکومتی و فردی

مراد از شنود حکومتی آن دسته از شنودهایی است که توسط حکومت اسلامی و تحت سلطه و ولایت ولیّ الهی اداره می‌شود که این حکومت به واسطه آن وظیفه ذاتی خود مؤظّف به تأسیس نهادی به این منظور است. به عبارتی ما نحن فیه در مقام بیان حکم نهاد اطلاعات و امنیت است که از نظر ما نتیجه‌ای متفاوت از شنود فردی دارد. به دلیل این امر که در ادامه ادلّه فراوانی بحث می‌شود که در نگاه نخست و با رویکرد فردی صراحت در حرمت دارند و توسط فقهای که قائل به این تقسیم‌بندی نبودند نیز به اطلاق آن در فرض فقه فردی اخذ می‌شوند.

فقه موجود تمرکز بر فعل فرد مکلف دارد؛ اما فقهای عظام در مقام عمل و اجراء، برخی احکام را برای جامعه بیان کرده‌اند. (بروجردی، ۱۴۱۶ق، ص ۷۳ و ۷۸) اما قبل از این که آیات و روایات را ذکر کنیم، مقدمات و پیش فرض‌های روشی سه‌گانه مهمی را که براساس فقه حکومتی لازم می‌آید، بیان کرده و سپس به سراغ ادلّه می‌رویم. برای ورود دقیق به حیطة تحلیل و بررسی ادلّه، نخست باید مراد از شنود در سطح و مستوفای فرد و حکومت و دستگاه حاکمه با تبیین الگو، روش و اصول موضوعه، مواجهه مطلوب با مسائل حوزه فقه امنیت را به اختصار روشن نمود:

### ۲-۱. پیش فرض نخست: اندیشه امنیت

مقوله امنیت به‌عنوان ضروری‌ترین عنصر زندگی انسان به دو منظر قابل بررسی است. گاه از منظر «امنیت‌اندیشی» به آن نگاه می‌شود که مراد از آن تمام تلاش فکری شخص یا مجموعه در جهت حفظ قدرت و موقعیت موجود است که از طریق اندیشه پیرامون تمامی مخاطرات داخلی و خارجی میسر می‌گردد؛ اما از منظر «اندیشه امنیت» که مبتنی بر فهم گزاره ضروری تقدّم امنیت جمعی و اجتماعی بر امنیت فردی است؛ زیرا که امنیت فردی در بستر و امتداد امنیت جمعی محقق می‌گردد. در نتیجه، اندیشه امنیت به این معنا است که متفکر در پی فعالیت فکری و عقلانی موجه پیرامون چگونگی حفظ امنیت عمومی در راستای مصالح حقیقی اجتماعی است که در حوزه حاکمیت اسلامی این مهم و تشخیص و تمییز مسئله



«امنیت‌اندیشی» از «اندیشه امنیت» برعهده فقیه و دستگاہ فقاہت است. در این صورت، فقیه در تبیین فقاہتی مسائل حوزه امنیت باید امنیت دین، جان، عرض، مال و ... شهروندان حکومت اسلامی را مدنظر قرار دهد و نباید و نمی‌تواند از لزوم تأسیس نهاد اطلاعات و امنیت غافل شود. (عراقی، بی‌تا، ص ۳۵۶) از همین رو امنیت اصل نظام و انقلاب نیز شعبه‌ای از امنیت دین و بلکه برحسب بعضی تعبیر همان امنیت دین محسوب می‌گردد و فقیه باید تمام دقت خود را در حفظ امنیت آن به کار گیرد.

## ۲-۲. پیش فرض دوم: تعامل متفاوت با ادله

تعامل با ادله برای استنباط گزاره‌های فقه امنیت متفاوت از استنباط گزاره‌های احکام فردی است و این مدیریت ادله بسیار مهم و محور کلیدی مقاله حاضر است. باید دقت داشت که این تفاوت درصدد افزودن منبعی در عرض منابع اربعه نیست؛ بلکه تفاوت‌هایی میان بحث‌های اصول فقهی وجود دارد که از این قرار هستند:

۱. تفاوت در تعامل با ادله از حیث عام و خاص، مطلق و مقید، اتخاذ مفهوم و ...؛
۲. تفاوت در تفسیر از ادله از حیث عام‌انگاری، مطلق‌انگاری، تحدید ادله به زمان و مکان خاص و ...؛
۳. تفاوت در تعارض و تراحم میان ادله و معیارهای موجود در هنگام تعارضات.

شهید ثانی در ذیل نظر شهید اول که قائل به وجوب جهاد سالی یک مرتبه است، (شهیدثانی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۸۰) بیان می‌دارد که مسئله جهاد دایرمدار مصلحت و ادراک عقل عملی است. (همان، ص ۳۸۱) به این معنا که استنباط گزاره‌های سیاسی و به تبع امنیتی باید در چهارچوب مصالح بررسی شده و تمامی ادله در کنار یکدیگر لحاظ شوند که در این صورت، دیگر ادله از اطلاق کافی برخوردار نیستند. هر کدام از این موارد نمونه‌هایی در آثار و کتب فقها از جمله در فروش سلاح به مشرکان، وجوب سالانه جهاد و ... دارد که نیازمند دقت نظر است. (علیدوست، ۱۴۰۲، ص ۳۷ و ۴۵)



## ۲-۳. پیش فرض سوم: استنباط در مقام اجرا

بزرگان عرصه فقه و فقهات در موضوعات مسائل فقهی که بیشتر جنبه فردی در آن‌ها پررنگ است، به بیش از یک استنباط قائل نیستند. به این بیان که طبق اجتهاد متعارف، نخست موضوع‌شناسی دقیق کرده و به تشخیص حکم متناسب با آن از دل ادله و تطبیق آن با یک قاعده از قواعد فقهی اکتفا می‌کنند؛ اما در سلسله مسائل فقهی که بیشتر جنبه عمومی و حاکمیتی در آن‌ها نمود دارد، علاوه بر استنباط اولیه و تعیین قاعده محوری در آن و صدور فتوا باید فقهات و استنباط مرحله دوم را نیز سامان داد. استنباط مرحله دوم به این نحو است که به دقت مسائل ذوابعادی چون امنیت را از تمامی زوایا و متغیرهای دخیل در آن در عرصه اجرا به بررسی گذاشته و تعیین کنیم که در ذیل کدام یک از قواعد فقهیه متعدد چون لاضرر، اهم و مهم و ... یا احکام شرعی جزئی جای می‌گیرد و بر آن قابل تطبیق هستند و در گام بعد به بررسی نسبت حاکم بین این قواعد اقدام کرده و حکم آن قاعده که منطبق‌ترین حکم را در این مورد برخوردار است، جریان دهید یا آن حکمی را که جاری است، اخذ کنید. (علیدوست، ۱۴۰۲، ص ۷۲)

به عنوان مثال و اشاره به این نوع از نگرش در فقه شیعه می‌توان به موارد متعددی از جمله اذن امام موسی کاظم (ع) به علی بن یقطین برای قبول ولایت و وزارت در حکومت جور (طوسی، ص ۴۳۳) در حالی که هارون الرشید دستگاه حاکمه جور بوده و اعانت وی شرکت در ظلم تلقی می‌شده است و از سوی دیگر، منع صفوان بن مهران جمال توسط امام موسی کاظم (ع) برای کرایه دادن شتران به دستگاه حاکمه جور، (الکشی، ج ۲، ص ۷۴۰، ح ۸۲۸) صادر نمودن فتاوایی چون وجوب یا جواز قبول ولایت از جانب حکومت جور و طاغوت از جانب فقهای شیعه، (علم‌الهدی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۸۹) تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی و پذیرش مشروطه توسط فقهای چون میرزای نائینی و ... اشاره کرد.

با کمترین تأمل می‌توان دریافت که این موضوعات از سنخ موضوعات عمومی و حاکمیتی بوده و ارتباط تنگاتنگی با بحث امنیت در جامعه دارند و در استنباط مرحله دوم داخل شده‌اند.



### ۳. تقسیم‌بندی به فردی و حکومتی

مبتنی بر مقدمات پیش‌گفته روشن شد که استنباط گزاره‌های فقه امنیت با سایر ابواب فقه تفاوت کرده و اقتضائات مخصوص خود را دارد. (علیدوست، ۱۴۰۲، ص ۳۷) همین تفاوت که منشأ تعاملی متفاوت با ادله است که پای عناصری چون مصلحت، مقاصد شریعت و ... را به میان می‌کشد و در نتیجه در نحوه اطلاق‌گیری در این موضوع خاص تأثیر می‌گذارد و نیز تفاوت میان مکلف که در یکی آحاد و در دیگری نهاد و ساختار اطلاعات و امنیت است، ما را به سمت این تقسیم‌بندی سوق می‌دهد. البته منوط کردن احکام به مصالحی همچون امنیت عمومی به این دلیل است که مسائل امنیتی - سیاسی برخلاف مسائل فردی تابع مصلحت و مفسده است. (همان، ص ۴۱)

در این بخش به دو نمونه از عملکرد فقهای سرشناس که ناظر به بحث امنیت به خصوص مقوله تجسس و شنود که به‌عنوان مصداقی از مصادیق و طریقی از طرق تجسس تلقی می‌گردد، اشاره می‌شود تا تفاوت نظارت فقیه به عرصه اجرا در مقام استنباط و توجه به اقتضائات خاص گزاره‌های امنیتی مبتنی بر رویکرد حکومتی به فقه را احساس کرده و علت این تقسیم‌بندی دوگانه روشن شود.

### ۳-۱. آفایاء الدین عراقی

مطلب پیش‌رو کلامی دقیق از محقق عراقی (ره) است که از استوانه‌های اصولی و فقهی نجف شمرده می‌شود و کماکان اندیشه‌های فقهی ایشان مغفول مانده است. ایشان در بحث از «استقصاء الجرائم و الفحص و التعقیب» (عراقی، بی تا، ص ۳۵۶) سخنانی را نسبت به اصل وجوب تأسیس نهاد اطلاعات و امنیت توسط حکومت اسلامی بیان کردند و این وجوب را واضح و بدیهی می‌دانند. در ادامه به‌عنوان سؤال، این مطلب را طرح کرده‌اند که «ألیس هذا تجسساً عن أسرار الناس و هكذا النهی عن تتبع عثرات المؤمنین شدیداً اکیداً» (همان) و در پاسخ از این سؤال، عبارت زیبا و دقیق و مبنایی بیان کردند که پایه و اساس ادامه مباحث خودشان است و ما نیز مباحث پیش‌رو اعم از جمع ادله و شرح و بسط پیرامون آن‌ها را بر آن بنا قرار می‌دهیم.



این عبارت محقق عراقی چنین است: «لکن يجب ان يلاحظ الفرق الكلي بين وظائف الدولة بالذات، و وظائف الافراد بذواتهم. أن وظائف كل من الفريقين تختلف عن الآخر اختلافاً كبيراً لا يجعل إحداهما شبيهة بالأخرى». (همان)

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید ایشان تفاوت کلی و اساسی میان وظایف دولت بالذات و وظایف افراد به ذواتهم قائل هستند. این تفاوت کلی چیزی نیست جز این که ایشان در بحث اندیشه امنیت موضوع را توسعه داده و مکلفین را صرفاً آحاد صرف ندیده و برای فهم ادله به استنباط در مقام اجرا در بستر حاکمیت روی آورده است و نهاد امنیتی را نیز مکلف می‌دانند. ایشان به عبارتی تجسس را به تجسس فردی و حکومتی تقسیم نموده و در تفسیر ادله نیز مذاقه نموده‌اند که در ادامه بیشتر به آن پرداخته خواهد شد.

### ۳-۲. سید محمود هاشمی شاهرودی

از جمله شواهد بر مدعا را می‌توان تقسیم ذکرشده در مجموعه ارزشمند تدوین‌یافته زیرنظر محقق و اندیشمند توانمند حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی (ره) به نام «موسوعة الفقه الإسلامي طبقاً لمذهب أهل البيت» را نام برد که با ابتکاری این تقسیم‌بندی را ذکر کردند و هر قسم را تعریف نمودند: «التجسس الفردي: ويقصد به أن يتجسس الأفراد على بعضهم بما يخرق حرمة الحياة الخاصة للآخرين، ولا إشكال في حرمة التجسس هذا على المسلمين من حيث المبدأ. التجسس الدولي: ويقصد به التجسس ذي الطابع السياسي أو السلطوي الذي يقع لصالح الدولة المسلمة أو الحكومة الشرعية أو لصالح أعدائها». (دایرة‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ۱۴۲۳ق، ج ۲۵، ص ۶۶-۶۸)

غالب فقها به هنگام بحث از تجسس توسط حاکمیت و نهادهای امنیتی در بستر تراحم و قاعده اهم و مهم به طرح بررسی پرداختند. بحث از تجسس در بستر تراحم در فرضی است که حکم اولی در تجسس، حرمت باشد؛ ولی محقق عراقی و سید هاشمی شاهرودی حرمت را منحصر در تجسس فردی قرار دادند؛ اما تجسس حکومتی را جایز بلکه واجب شمردند.



#### ۴. ادله ناظر به مسئله شنود و استراق سمع

با مراجعه به کتب و مقالات مختلف از جمله کتاب «دراسات فی ولایة الفقیه» نوشته شیخ حسین علی منتظری روشن می‌شود که در ذیل برخی ریزمسائل به امر تجسس اشاره شده است؛ اما این عنوان‌گذاری و تقسیم‌بندی مورد توجه نبوده است. همین عبارات کافی است تا از ارتکاز فقهای اعصار پرده برداشته شود. فقه نه تنها بیانگر احکام مکلفین فردی بلکه بیانگر احکام نهادها و فرایندهای موجود در این بستر است و به عبارت دقیق‌تر فقه باید رسالت خود را بیشتر در این راستا تعریف کند. حال که به نحو کوتاهی این مدعا و مبنای مورد نظر روشن شد، براساس همین تقسیم‌بندی برای شنود به بررسی یکایک ادله ناظر به مسئله شنود و استراق سمع اشاره می‌شود.

همان‌طور که ملاحظه گردید این مقدمات و پیش‌فرض‌ها به مواردی از جمله دقت در نحوه اطلاق‌گیری و تعامل با ادله و توجه به استنباط در مقام اجرا منجر می‌شود که از این رهگذر به بررسی سعه و ضیق اطلاق ادله و پیامدهای ناشی از آن‌ها پرداخته می‌شود تا روشن گردد که آیا این ادله در مقام بیان حکم تجسس و شنود برای همه حتی نهاد حاکمیت و مکلف نهادی هستند یا خیر؟! و سپس به ادله‌ی ایجابی نیز اشاره می‌شود:

#### ۴-۱. آیه «لاتجسسوا»

قرآن کریم در سوره حجرات می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ»؛ (الحجرات، ۱۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها اجتناب کنید؛ زیرا برخی از گمان‌ها، گناه هستند و تفحص و پی‌جویی (در امور دیگران) نکنید و غیبت یکدیگر را نکنید. آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت بردار مرده‌اش بخورد؟ همه شما از این کار کراهت دارید. تقوای الهی پیشه سازید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است.



#### ۴-۱-۱. وجه استدلال

دلالت آیه بر منع و حرمت تجسس و به تبع شنود که از مصادیق تام آن است، واضح و روشن بوده و در آن خدشه‌ای نیست؛ زیرا قرینه‌ای بر کراهت وجود ندارد. همچنین که سابق بر حکم تجسس مسئله اثم بودن بعضی از ظن و اجتناب از کثیر ظنون بیان شده است. مرحوم علامه طباطبایی برای استحکام استدلال در تفسیر خود بیان می‌دارد که تعلیل انتهای آیه «أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا» اختصاصی به غیبت نداشته و به نهی «لاتجسسوا» نیز تعلق دارد؛ زیرا تنها تفاوت غیبت و تجسس در این است که در غیبت اظهار عیب غیر برای دیگران است؛ اما در تجسس و شنود اطلاع از عیب دیگران برای نفس است. در نتیجه در هر دو عیب‌جویی نهفته است. (علامه طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۳۲۴) به دلیل حذف متعلق آن آیه اطلاق دارد و دیگر درباره هیچ چیزی نمی‌توان تجسس نمود؛ مگر دلیل شرعی دیگری برای موارد خاص وارد شود. (منتظری، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۲۸۴)

#### ۴-۱-۲. اشکال به استدلال

این آیه محکم‌ترین دلیل بر مدعا است؛ اما باید توجه نمود که گاه با رویکرد فردی و از جهت شنود فردی بحث می‌شود که قطعاً حرمت تجسس ثابت شده است؛ اما اگر با رویکرد حکومتی و در مرحله دوم یعنی مرحله استنباط وارد شود، دیگر درباره حکم و وظیفه نهاد حاکمیت که در ذیل آن نهاد اطلاعات و امنیت قرار دارد، سخن رانده می‌شود که کارویژه و تمام هم‌وغم آن حفظ امن عمومی است که طریقی جز اختفا عمل در بررسی و تجسس از امور دیگران نمی‌تواند این مهم را رقم بزند. فقیه اصولی زبده محقق عراقی در همین مسئله در جواب سؤالی که مستند به آیه لاتجسسوا است، می‌فرماید:

«يجب ان يلاحظ الفرق الكلي بين وظائف الدولة بالذات و وظائف الافراد بذواتهم. أن وظائف كل من الفريقين تختلف عن الآخر اختلافاً كبيراً لا يجعل إحداهما شبيهة بالأخرى». (عراقی، بی‌تا، ص ۳۵۶) یعنی واجب است بر هر مجتهد و فقیهی که بداند تفاوت اساسی میان وظایف دولت و حاکمیت و وظایف افراد جامعه وجود دارد که



هر کدام وظیفه مختص به خود را دارند؛ لذا این آیه به هیچ عنوان ناظر به بیان وظیفه نهاد حاکمیت نیست.

#### ۲-۴. روایات

در این بخش باید تمامی روایاتی را که در بخش بررسی حکم شنود فردی مطرح شدند، به نقد و بررسی بگذاریم. فقهای که با نگاه فردی به مسئله پرداختند، توجهی به توسعه در مکلف نداشتند و در نتیجه نسبت به روایات باب، ادعای تواتر کردند (صاحب جواهر، ج ۱۳، ص ۲۹۸) که البته تواتر نسبت به آحاد است. در خصوص روایات دال بر حرمت استراق سمع به روایت‌های مختلفی اشاره کردند که از جمله مهم‌ترین روایت‌هایی که به آن‌ها استناد می‌کنند در کافی و در باب «بَابُ مَنْ طَلَبَ عَشْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ عَوْرَاتِهِمْ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۵۴) بیان شده است:

#### ۱-۲-۴. روایت ابوبصیر

در این روایت ابی بصیر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: يَا مَعْشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَ لَمْ يُسَلِّمْ بِقَلْبِهِ لَا تَتَّبِعُوا عَشْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَبَعَ عَشْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ تَتَبَعَ اللَّهُ عَشْرَتَهُ وَ مَنْ تَتَبَعَ اللَّهُ عَشْرَتَهُ يَفْضَحْهُ»؛ (همان، ص ۳۵۵) ای کسانی که به زبان، اسلام آورده‌اید و با قلب خود اسلام را نپذیرفته‌اید! لغزش‌های مسلمانان را جست‌وجو نکنید؛ زیرا هر که در جست‌وجوی لغزش‌های مسلمانان باشد، خداوند لغزش‌های او را دنبال خواهد کرد و هر که را خداوند لغزش‌های او را دنبال نماید، رسوایش می‌سازد.

#### الف. وجه استدلال

در آغاز باید گفت با سند دیگری نیز اسحاق بن عمار بیان داشته است (همان، ص ۳۵۴) که از حیث سند مورد قبول است. استدلال به دو روایت اخیر به فقره «لا تَتَّبِعُوا وَ لا تَطْلُبُوا» است که به طور صریح عباد را نهی کرده است که هرگز در پی عیوب و لغزش‌های مؤمنین نباشند؛ به هر طریقی که یکی از طرق آن شنود است. در بحث از دلالت باید گفت که اخذ این روایت در کنار آیه شریفه «لا تجسسوا» اطلاق را در آیه اثبات می‌کند.



### ب. خدشه در استدلال

در باب مخاطب روایت، دو تحلیل وجود دارد:

تحلیل نخست: مخاطب افرادی هستند که ایمان ایشان ضعیف بوده و مؤمن حقیقی محسوب نمی‌شوند. در نتیجه تجسس و شنود از سوی مؤمنین حقیقی با نیات دینی مورد نهی نمی‌باشد.

تحلیل دوم: تجسس چنان امر مبعوض و زشتی است که مخصوص این افراد سست‌ایمان است و به عبارتی هیچ شخصی به سراغ تجسس نمی‌رود؛ مگر آن‌که سست‌ایمان باشد. در نتیجه هر کسی که به دنبال تجسس برود، در سلک این اشخاص است.

براساس تحلیل دوم از مخاطب روایت اطلاق در حرمت تجسس را اثبات می‌کند؛ اما چون در روایت هر دو احتمال وجود دارد و یک احتمال متعارف است، لذا استدلال به روایت برای اثبات اطلاق ممکن نیست.

### ج. پاسخ از خدشه

آنچه در ظاهر عبارت مسلم است و به دست می‌آید، این است که قدرمقیّن حرمت تجسس افراد از یکدیگر است و همین مقدار برای حکم شنود فردی کفایت می‌کند.

### د. اشکال به استدلال

اشکال کلی به تمامی روایات باب این است که موضوع استراق سمع و تجسس را مؤمنین اخذ کردند همان‌طور که عنوان باب را تعیین کردند؛ در حالی که نهادهای امنیتی معمولاً از افراد در معرض اتهام به اخلال در امنیت عمومی تجسس و شنود می‌کنند. با دقت در روایات باب این مطلب بیشتر برداشت می‌شود که روایات در مقام بیان حرمت و زشتی تجسس و شنود در زندگی شخصی و فردی یکدیگر توسط آحاد افراد جامعه بدون این‌که هیچ‌گونه ارتباطی با امنیت عمومی داشته باشند، دارند و آنچه این برداشت را نسبت به تمامی روایات باب تقویت می‌کند، عنوان‌گذاری شیخ حرّ در کتاب «وسائل» است که عنوان باب را «بابُ تَحْرِیمِ إِخْصَاءِ عَشْرَاتِ الْمُؤْمِنِ وَ عَوْرَاتِهِ لِأَجْلِ تَغْیِیرِ بَیْهَا». (حرّ عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۲۷۴)



تعلیلی که ایشان از روایات برداشت نمودند خود گواه بر این احتمال موجود در روایات باب می‌رود که ناظر به نهی در مواردی است که سرکشی و تجسس در امور یکدیگر برای تعبیر و امورات دیگری غیر از بحث از امنیت عمومی است؛ اما درخصوص این روایت نکته‌ای نهفته دارد که صدر روایت اشاره به کسانی دارد که به زبان و نه قلب وارد اسلام شده‌اند و غرض آن‌ها از شنود و تجسس چیزی نیست جز تخریب چهره مسلمان و تشویش اذهان که مسلماً با این برداشت دیگر نمی‌توان حکم به اطلاق داد و گفت حتی تجسس و شنود توسط نهاد حاکمیت را شامل است؛ بلکه صرفاً اصل حرمت نسبت به افراد را ثابت می‌کند.

#### ۴-۲-۲ روایت حلبی

در این روایت حلبی از امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا تَطْلُبُوا عَثْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ مَنْ تَبَعَ عَثْرَاتِ أَخِيهِ تَبَعَ اللَّهُ عَثْرَاتِهِ وَ مَنْ تَبَعَ اللَّهُ عَثْرَاتِهِ يَفْضَحْهُ وَ لَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ». (کلینی، ۱۳۶۳ق، ج ۲، ص ۳۵۵)

#### الف. وجه استدلال

سند روایت صحیح است و استدلال به دو روایت اخیر به دلیل «لا تَتَّبِعُوا» و «لا تَطْلُبُوا» است که به‌طور صریح عباد را نهی کرده‌است که هرگز در پی عیوب و لغزش‌های مؤمنین نباشند؛ به هر طریقی که یکی از طرق آن شنود است. اشکال فوق دیگر نسبت به این روایت وجود ندارد و همان جواب اخیر ثابت است؛ یعنی دلالت روایت مبتنی بر رویکرد حکومتی حرمت شنود فردی است.

#### ب. اشکال به استدلال

اشکال به این روایت همان اشکال عامی است که در روایت قبل بیان شد و در این دسته روایات پیغمبر اسلام ناظر به بیان وظیفه نهاد حاکمیت و ولایت نبوده‌است و این را از سیاق و نوع بیان روایات می‌توان دریافت نمود. به‌خصوص این روایت و روایت قبل به احتمال زیاد یکی هستند که در روایت قبل نکته‌ای نسبت به فقره نخست آن که فرمودند: «ای کسانی که به زبان فقط اسلام آورده‌اید» حذف شده‌است، بیان شد.



## ۴-۲-۳. روایت نبوی

این روایت را مرحوم صدوق از ابن عباس نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَنْ صَوَّرَ صُورَةَ عَذَابٍ وَ كُفَّفَ أَنْ يَنْفُخَ فِيهَا وَ لَيْسَ بِفَاعِلٍ وَ مَنْ كَذَّبَ فِي حُلْمِهِ عَذَابٌ وَ كُفَّفَ أَنْ يَعْقِدَ بَيْنَ شَعِيرَتَيْنِ وَ لَيْسَ بِفَاعِلٍ وَ مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ يُصَبُّ فِي أُذُنَيْهِ الْأَنْكُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ سَفِيَانُ الْأَنْكُ هُوَ الرَّصَاصُ»؛ (ابن بابویه، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۰۹)

هر که صورتی را تصویر کند (مجسمه‌سازی کند و نقاشی نماید) عذاب می‌شود و تکلیف می‌شود که در آن بدمد (روح بدمد) و نمی‌تواند و کسی که خواب و رؤیای دروغ بسازد، عذاب می‌شود و تکلیف می‌شود که میان دو دانه جو گره بزند و نمی‌تواند و کسی که به سخنان قومی گوش دهد در شرایطی که آن‌ها راضی نباشند، در روز قیامت در گوش وی سرب گداخته ریخته می‌شود.

## الف. وجه استدلال

با توجه به ذکر عذاب شدید از حین عمل تا قیامت برای شنود و استراق سمع چیزی جز حرمت به دست نمی‌آید.

## ب. اشکال به استدلال

سند روایت شریفه مخدوش است؛ زیرا که اکثر راویان آن مهمل و دو تن از آن‌ها از جمله عکرمه تضعیف مصرح دارند. اشکال به استدلال به این روایت شریفه برای اثبات حرمت شنود و تجسس حتی توسط نهادهای اطلاعات و امنیت به جهت حفظ امنیت عمومی کاری بس دشوار است؛ زیرا که به مناسبت حکم و موضوع اشاره به مواردی دارد که اشخاص و آحاد جامعه یا به عبارتی شهروندان در پی یافتن عیوب و نقائص شخصی افراد دیگر هستند.

اشکال دیگر روایت در این است که سیاق روایت برای موردی است که اشخاصی مشغول تجسس و شنود از زندگی شخصی افراد دیگر می‌شوند تا به امر طلسم و از این قبیل امور پردازند و مقدمات کار را فراهم کنند.



## ۵. روایات دال بر وقوع تجسس توسط ائمه اطهار (ع)

در این رابطه دو روایت وجود دارد که در یک روایت امام سجاد (ع) و در روایت دیگر امام موسی بن جعفر (ع) در رابطه با استراق سمع سخن گفته‌اند. حال می‌بایست این دو روایت را بررسی نماییم که اساساً این دو روایت پذیرفتنی هستند یا خیر؟!

### ۵-۱. روایت اول

روایت صحیح‌های در مورد عمل امام است و در کافی ذکر شده‌است: «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ إِنَّ امْرَأَتَكَ الشَّيْبَانِيَّةَ خَارِجِيَّةً تَشْتِمُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنْ سَرَّكَ أَنْ أَسْمِعَكَ مِنْهَا ذَلِكَ أَسْمِعْتُكَ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَإِذَا كَانَ غَدًا حِينَ تُرِيدُ أَنْ تَخْرُجَ كَمَا كُنْتَ تَخْرُجُ فَعُدْ فَأَكْمُنْ فِي جَانِبِ الدَّارِ قَالَ فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ كَمَنْ فِي جَانِبِ الدَّارِ فَجَاءَ الرَّجُلُ فَكَلَّمَهَا فَتَبَيَّنَ مِنْهَا ذَلِكَ فَحَلَّى سَبِيلَهَا وَكَانَتْ تُعْجِبُهُ»؛ (کلینی، ۱۳۶۳ق، ج ۵، ص ۳۵۱) امام باقر (ع) فرمود: مردی نزد امام سجاد رفت و بیان داشت: همسر شیبانی شما خارجی است و به حضرت علی (ع) ناسزا می‌گوید. اگر تمایل داشته باشید که آن را بشنوید، من کاری خواهم کرد که این مطلب را از زبان وی بشنوید؟! امام فرمود: بله. آن مرد گفت: فردا در زمانی که همیشه از منزل خارج می‌شوید، بیرون بروید؛ اما مخفیانه بازگردید و در گوشه‌ای از خانه پنهان شوید. فردای آن روز امام در خانه پنهان شد و آن مرد آمد و با آن زن صحبت کرد. زن هم همان مطالب را بیان داشت. با روشن شدن این مسئله، با این که امام از وی خوشش می‌آمد اما طلاقش داد.

### ۵-۱-۱. وجه استدلال

سند روایت موثقه است. در این روایت ادعا این است که حضرت، استراق سمع کرده و به پیشنهاد آن فرد برای استراق سمع جواب داده و به نوعی تجسس را تأیید کرده‌اند. نمی‌توان گفت از این باب که زوج بر زوجه ولایت دارد پس خارج از اصل عدم ولایت بوده و به صورت تخصصی خارج است؛ زیرا زوجه نیز دارای حریم



شخصی است؛ بلکه فرض مذکور تأیید تجسس در موارد عامه برای جلوگیری از مفاسد عظیمه است.

## ۵-۲. روایت دوم

روایت بعدی در «قرب الاسناد» عبدالله بن جعفر حمیری نقل شده است که از عالمان و محدثان شیعی معاصر امام هادی و امام حسن عسگری (ع) بوده است متن روایت چنین است:

«أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (ع)، عَنْ أُمِّهِ قَالَتْ: كُنْتُ أَغْمِزُ قَدَمَ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ نَائِمٌ مُسْتَقْبِلًا فِي السَّطْحِ، فَقَامَ مُبَادِرًا يُجْرُ إِزَارَهُ مُسْرِعًا فَتَبِعْتُهُ فَإِذَا غُلَامَانِ جَارِيَتَيْنِ لَهُ وَبَيْنَهُمَا حَائِطٌ لَا يَصِلَانِ إِلَيْهِمَا، فَتَسَمَّعَ عَلَيْهِمَا ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَيَّ فَقَالَ: «مَتَى جِئْتِ هَاهُنَا؟» فَقُلْتُ: حَيْثُ قُمْتَ مِنْ نَوْمِكَ مُسْرِعًا فَرِعْتُ فَتَبِعْتُكَ. قَالَ: «أَلَمْ تَسْمَعِي الْكَلَامَ؟» قُلْتُ: بَلَى. فَلَمَّا أَصْبَحَ بَعَثَ الْغُلَامَيْنِ إِلَى بَلَدِي، وَبَعَثَ بِالْجَارِيَتَيْنِ إِلَى بَلَدٍ آخَرَ، فَبَاعَهُمْ»؛ (الحمیری، ۱۳، ج ۱، ص ۳۳۱) موسی بن جعفر بر روی بام و به سمت قبله خوابیده بود و من پایش را می مالیدم (ماساژ می دادم). امام به یکباره از جای برخاست به نحوی که ازار (لباس) ایشان جلو پایشان آمد و با سرعت حرکت کردند و من هم دنبال ایشان رفتم. دیدم دو غلام و دو کنیز ایشان در حال صحبت هستند و بین آنها دیواری فاصله شده و امام هم سخنان ایشان را گوش دادند. امام گفت: از چه زمانی اینجا آمده‌ای؟ گفتم: از وقتی با عجله از خواب بلند شدید. فرمود: مکالمه را نشنیدی؟ گفتم: چرا شنیدم. فردا صبح آن دو غلام را به یک شهر و دو کنیز را به شهر دیگر فرستاد و فروخت.

## ۵-۲-۱. وجه استدلال

امام در این فرض اقدام به شنود و تجسس از امر عده‌ای کرده است. فعل امام مانند قول ایشان حجّت است؛ اما معمولاً در جایی به فعل امام می‌توان استناد کرد که عمل ایشان دارای وجوه مختلفی نباشد که بتوان احتمال یا جهت دیگری در آن داد.



## ۵-۲-۲. مناقشه در روایت دوم

در مورد روایت دوم هم باید گفت که امام مالک مملوک خود بوده و خارج از اصل عدم ولایت احد علی احد است و استراق سمع در این زمینه حرمت نداشته است.

## ۵-۳. روایت سوم

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در نامه‌ای خطاب به کعب بن مالک می‌فرماید: «أما بعد، فاستخلف علی عملک، و اخرج فی طائفة من أصحابک حتی تمر بأرض کورة السواد فتسأل عن عمالی و تنظر فی سیرتهم فیما بین دجلة و العذیب، ثم ارجع إلی البهقبادات فتول معونتها، و اعمل بطاعة الله فیما ولاک منها، و اعلم أن کل عمل ابن آدم محفوظ علیه مجزی به، فاصنع خیرا صنع الله بنا و بک خیرا، و أعلمنی الصدق فیما صنعت، و السلام»؛ (مهریزی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۰) بر محل عمل و وظیفه‌ات، جانشینی بگذار و با جمعی از افراد از شهر خارج شو تا به روستاهای سرزمین سواد برسی و از رفتار و روش عمال و کارگزاران من در منطقه دجله و عذیب جو یا شو. سپس به بهقبادات بازگرد و به همراهی با آنها پرداز و به طاعت خداوند در آنچه از این مناطق برعهده تو نهاده شده، عمل کن. بدان که هر عمل فرزند آدم نزد خداوند محفوظ است و جزا داده خواهد شد به آن. هر کاری که انجام دادی به درستی به من اطلاع بده.

## الف. وجه استدلال

به هر روی این دستور حضرت، فرمان به تجسس از عمال‌شان است؛ زیرا تصریح دارند که «فتسأل عن عمالی و تنظر فی سیرتهم».

## ۵-۴. روایت چهارم

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر چنین فرمودند: «ثم انظر فی أمور عمالک فاستعلمهم اختیاراً، و لا تولهم محاباة و آثرة... ثم تفقد أعمالهم، و ابعت العیون من أهل الصدق و الوفاء علیهم، فإن تعاهدک فی السرّ لأمورهم حدوة لهم علی استعمال الأمانة، و الرّفق بالرعیة. و تحفظ من الأعدان، فإن أحد منهم بسط یده إلی خیانة اجتمعت بها علیه عندک أخبار عیونک، اکتفیت بذلک شاهداً، فبسطت علیه



الْعُقُوبَةُ فِي بَدَنِهِ»؛ (نهج البلاغه صبحی صالح، ترجمه و شرح نامه ۵۳ نهج البلاغه، بخش پانزدهم: گزینش کارگزاران)

#### ۵-۴-۱. وجه استدلال

همان‌گونه که مشاهده می‌کنید تصریح به امر تجسس در مورد حکومت دارند بدون هیچ‌گونه تخصیصی از آن.

#### ۵-۵. روایت پنجم

حَدَّثَنِي الزَّيَّانُ بْنُ الصَّلْتِ قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَا (ع) يَقُولُ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا وَجَّهَ جَيْشًا فَأَمَّهُمْ أَمِيرًا، بَعَثَ مَعَهُ مِنْ ثِقَاتِهِ مَنْ يَتَجَسَّسُ لَهُ خَبْرَهُ»؛ (الحمیری، ۱۳۴۱ق، ج ۱، ص ۳۴۲) امام رضا (ع) می‌فرمود: پیامبر خدا هرگاه سپاهی را گسیل می‌کرد فرماندهی از برای آن سپاه قرار می‌داد و شخصی مطمئن را برای تجسس از اخبار او به همراه فرمانده ارسال می‌کرد.

#### ۵-۵-۱. وجه استدلال

این روایت به این معنا است که حضرت رسول به گزارش فرمانده اکتفا نمی‌کردند و لذا این روایات تأیید می‌کند که از لوازم حکومت، تجسس و بازرسی کامل نسبت به جریان‌های عملیاتی حکومت است.

این خدشه در این دسته روایاتی که اشاره به بازرسی از عمال حکومتی در سیره رسول اکرم و حضرت امیر (ع) دارند، وارد نشده است که این عمل بازرسی است و ربطی به تجسس ندارد؛ زیرا که اگر دو رکن تجسس و شنود را اختفا و عدم رضایت اخذ کنید، در هر دو مورد یکسان است و عنوان تجسس بر آن بار می‌شود؛ اما آنچه که سبب گشته است این مهم را اهل بیت تأیید کنند و نیز هیچ خدشه‌ای به آن وارد نباشد، توجه به همین نکته است که باید میان تجسس فردی و حکومتی تفاوت قائل شد و هر کدام وظیفه مختص به خود را دارند. با این تفسیر دیگر آیات و روایات ناهیه به هیچ وجه من الوجوه شامل این دسته موارد نمی‌شود.



## ۶. عقل

مسئله شنود و استراق سمع از جمله فعالیت‌های لازم و ضروری برای حفظ امنیت نظام اجتماعی تلقی می‌شود. علت آن است که یکی از لوازم قطعی حکومت‌داری از نظر عقلا بحث از تجسس است و نیز اگر قائل شویم تشکیل حکومت در عصر غیبت ضرورت دارد پس این حکومت اسلامی دارای اقتضانات و لوازمی است که اقتضانات عقلایی آن نیز واجب می‌باشد و التزام به شیء التزام به لوازم آن نیز می‌باشد؛ مثل «نصب سلم» از برای «کون علی السطح». یکی از اقتضانات عقلایی آن است که حکومت نسبت به واحدهای حکومتی اعم از نهاد مردم و امت و دستگاه‌هایی که در اجرای حکومت نقش دارند، تفحص نمایند؛ چراکه اگر چنین نکنند قدرت حاکمیتش از میان خواهد رفت.

زیرا یک حکومت باید اطلاع دقیقی از تمامی امور در جریان میان آحاد جامعه داشته باشد؛ چون دولت کفیل و قیم امت است و شایسته نیست که از احوال آن‌ها نیز غفلت کند. به حسب فطرت و آیه ۶۰ سوره انفال «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» بر دولت اسلامی واجب است که تشکیل نهاد تجسس دهد تا هیچ کس جرأت ارتکاب گناه را به‌راحتی نداشته باشد و این در گرو داشتن یک هیبت و همینه تمام عیار از سوی دولت حاکمه در انظار عمومی است. (عراقی، بی‌تا، ص ۳۵۶) از همین رو، در مواردی برای اشخاص شاغل در سمت‌های امنیتی و اطلاعاتی حکم به وجوب استراق سمع و شنود صادر می‌شود. (منتظری، ۱۳۸۵، ص ۳۵۹) هرچند که این مسئله از دید عقلا قبیح شمرده شده و حکم اولیّه (همان، ص ۳۵۷) آن در دین مبین اسلام حرمت است.

## ۷. اجماع

فعل شنود و استراق سمع به شکل سازمان‌یافته و در بستر نهادهای امنیتی و اطلاعاتی در دوره اخیر و در میان فقهای معاصر بعد از تشکیل حکومت اسلامی در ایران اسلامی مطرح و مورد تحلیل و بررسی فقهی قرار گرفته است و در قرون گذشته ردپایی از این مباحث به‌صورت سازمانی یافت نمی‌شود؛ لذا تتبع اقوال ممکن نیست. در مسئله هیچ اجماعی یافت نمی‌شود؛ زیرا از مسائل نوپدید محسوب می‌گردد. از



این حیث که نوع نگاه و رویکرد تغییر کرده است. بلکه در ضمن برخی از کلمات عدّه‌ای می‌توان درباره آن مطلبی یافت.

## نتیجه‌گیری

هریک از مسائل و موضوعات را می‌توان با دو نگاه و رویکرد مورد مذاقّه قرار داد: یک نگاه فردی و رایج و دیگری نگاه حکومتی است. بررسی‌های ما نشان داد که رویکرد حکومتی بر فقه مبتنی بر اجتهاد جواهری ریشه در آثار و پژوهش‌های فقها و اصولیان زبده‌ای چون آغا ضیاء‌الدین عراقی دارد. رویکرد حکومتی به فقه این مهم را نیز نمایان کرد که مبتنی بر اندیشه امنیّت، تعاملی متفاوت و پیامدگرا در نسبت با ادلّه و استنباط آنها نتیجه داد. همچنین در مقام اجرا این مهم را نتیجه داد که هر یک از انواع مکلفان، حکم مختص و ذاتی خود را دارند که سبب بازخوانی متفاوت ادلّه و قواعد می‌شود.

درواقع نهاد حاکمیّت حکم مختص به خود را در مسئله «پایش‌های سمعی» که همان جواز است، به سبب حفظ مصلحت امن عمومی اجتماع دارد و نهاد امت و آحاد مکلفان حکم مختص به خود یعنی حرمت «شنود» را دارا هستند. همان‌طور که ملاحظه شد نوع نگاه و بستر تفکر فقه و فقیه به آیات و روایات ناظر به تجسّس و شنود با حفظ تمامی ضوابط اجتهاد روشمند اما حکومتی چه تأثیر شگرفی در حکم مسئله‌ای از مسائل عامّه دارد. به این بیان که ادلّه ما را به سمت و سوی جواز شنود و مراقبت مستمر نهاد حاکمیّت برای حفظ امنیّت عمومی دعوت کردند. حال آیا این نتیجه متفاوت به‌دست آمده در حکم فقهی شنود فردی و حکومتی نسبت به تمامی پژوهش‌های گذشته در همین مسئله ما را بیش از پیش به این سمت و سوی سوق نمی‌دهد که مسائل مختلف در حوزه فقه اطلاعات و امنیّت و بلکه تمامی فقه را باید با نگاه و رویکرد حکومتی مورد مذاقّه قرار دهیم؟! شاید که نتایج تغییر کرده و حکم راقی در مسائل را بتوان استنباط کرد؛ زیرا که جنس این گزاره‌ها متفاوت از گزاره‌های مسائل عبادی و فردی هستند.



## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. احمدپور، مجتبی (۱۳۸۹)، استراق سمع در حقوق کیفری ایران، قم: دانشگاه قم، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۳. ابن منظور، محمّد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۴. ابن اثیر، عزّ الدّین ابوالحسن (۱۳۹۹ق)، النّهاية فی غریب الحدیث و الاثر، بیروت: المكتبة العلميّة.
۵. ابن بابویه، علی بن حسین (۱۴۱۶ق)، الخصال، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۶. افراهم بستانی، فؤاد (بی تا)، فرهنگ ابجدی الفبائی عربی: کلمة التجسس، بی جا: بی تا.
۷. بروجردی، حسین (۱۴۱۶ق)، البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر، (محرر حسینعلی منتظری)، قم: مکتب آية الله العظمی المنتظری.
۸. جزایری، سیّد عباس و شهرانی، محمود (۱۴۰۱)، «شئود مکالمات از منظر حقوق کیفری ایران فقه امامیه، اسناد و کنواسیون های بین الملل»، فصلنامه فقه و حقوق نوین، سال ۳، شماره ۹.
۹. جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۳ق)، موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت (ع)، قم: مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
۱۰. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۱. حرّ عاملی، محمّد بن حسن (۱۴۱۶ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، (محقق: محمّد رضا حسینی جلالی)، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
۱۲. حلّی، حسن بن یوسف (بی تا)، شرح تبصرة المتعلّمين (القضاء)، (مصحّح: محمّدهادی معرفت)، قم: مطبعة مهر.
۱۳. خمینی، روح الله (۱۳۹۲)، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۴. درزی نژاد رمی، میثم (۱۳۹۹)، «بررسی فقهی حقوقی استراق سمع»، دوفصلنامه مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال ۱۳، شماره ۲۵.
۱۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۵)، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمّد (۱۴۰۴ق)، المفردات فی غریب القرآن، تهران: دفتر نشر کتاب.
۱۷. رزمجو دوکشکانی، غزل (۱۳۹۸)، بررسی مبانی فقهی جرم انگاری جرایم دسترسی و شئود غیرمجاز مخابراتی و افشای غیرمجاز مراسلات و ماهیّت این جرایم در حقوق کیفری ایران، بروجرد: دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره).
۱۸. ساریخانی، عادل (۱۳۹۵)، «جایگاه شئود در نقض حریم خصوصی از منظر فقه و حقوق: تأملی بر کتاب «بررسی احکام فقهی و حقوقی استراق سمع»»، فصلنامه نقد کتاب فقه و حقوق، شماره ۳.
۱۹. شهید ثانی، زین الدّین (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: مکتبه الداوری.
۲۰. طوسی، محمّد بن الحسن (۱۴۰۹ق)، رجال، ج ۱، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، چ اول.



۲۱. طباطبایی، محمدحسین (بی تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۲۲. علم الهدی، علی بن حسین (۱۴۰۵ق)، رسائل الشریف المرتضی (مسئله فی العمل مع السلطان)، قم: دارالقرآن الکریم.
۲۳. علیدوست، ابوالقاسم (۱۴۰۲)، روش شناسی استنباط گزاره های فقه امنیّت، تهران: مرکز مطالعات راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲۴. علی محمد جعفر (۲۰۱۱م)، التنصت بین المشروعیّة و حقوق الإنسان، لبنان: مجله صوت الجامعة، شماره ۲.
۲۵. علی قلی زاده، محمدرضا و قلی زاده، علی (۱۳۹۴)، بررسی احکام فقهی و حقوقی استراق سمع، کرج: مدیر فلاح.
۲۶. فاضل جواد، جوادین سعید (۱۳۶۵)، مسالک الأفهام إلى آیات الأحکام، (مصحح: محمدتقی کشفی و محمدباقر بهبودی)، تهران: مرتضوی.
۲۷. الفیومی، أحمد بن محمد بن علی المقرئ (بی تا)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، القاهرة: المطبعة الأمیریة.
۲۸. کشی، محمد بن عمر و حسینی، احمد (۱۴۳۰ق)، رجال الکشی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، الکافی، (مصحح: محمد آخوندی و علی اکبر غفاری)، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۰. محسنی، فرید (۱۳۸۹)، حریم خصوصی اطلاعات (مطالعه کیفی در حقوق ایران و ایالات متحده و فقه امامیّه)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۳۱. مشکانی سبزواری، عباسعلی (۱۳۹۶)، جستارهایی در فقه حکومتی، قم: نشر کتاب فردا.
۳۲. منتظری، حسین علی (۱۳۶۷)، مبانی فقهی حکومت اسلامی (دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة)، (مترجم: محمود صلواتی)، قم: کیهان.
۳۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، نظام الحکم فی الاسلام، قم: سرایی.
۳۴. مهریزی، مهدی (۱۳۸۱)، سیاست نامه امام علی (ع)، قم: دارالحديث للطباعة و النشر، ج ۸.
۳۵. نصرتی، علی اکبر (۱۴۰۰)، جایگاه شنود و حقوق افراد در احکام حقوقی ایران، سمنان: انتشارات نیلون.
۳۶. نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (بی تا)، جواهر الکلام، (محقق: محمود قوچانی و دیگران)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. وزارة الاوقاف و شؤون الاسلامیة (۱۴۰۷ق)، الموسوعة الفقهیة الكويتیة: التجسس، الكويت: ذات سلاسل، الطبعة الثانية.

